

افغانستان علی الرغم این واقعیت که منابعی برای امداد افغانستانی ناجیز است در زمینه اندکات این منابع برای بکار بردن آن در داخل کشور کمک دریافت دارد. معهداً چنین فکر می شد که برخی از ۲۰۰ جیولوژیست که در ۱۹۷۹ از شوروی آمدند اعمار ساخه نفت و یک نستگاه تصفیه ۵۰۰ هزار تنی را بر عهده خواهند گرفت. اگرچه کمک شوروی برای این بروگرام دریافت نشد ولی در هر حال جنگ در گرفت و نفت افغانستان هنوز هم در خاک است. از ۱۹۸۰ به این طرف شوروی ها دو لوله نفت از شوروی آورده اند تا ضرورت عساکر شانرا در افغانستان رفع کنند.

رمال سگ:

نخایر زغال سنگ در افغانستان زیاد است و بهره برداری از آن تازه آغاز شده بود. افغانستان در حدود ۱۰۰ میلیون تن زغال تثبیت شده درجه اعلی دارد و در حدود ۴۰۰ میلیون تن دیگر در کنگوری احتمالی وجود دارد. در امتداد افغانستان عمالی از هرات تا بدخیان در حدود ۹ نخیره بزرگ زغال و ۳۶ منبع قسم از بهره برداری شده است. بهره برداری از زغال سنگ قدیمی ترین صنعتی عصری است که برای تهیه مواد سوخت در افغانستان مورد استفاده قرار می گیرد. این صنعت در حدود ۶۰ سال پیش آغاز شد. در ۱۹۸۶ در حدود ۱۲۰۰۰ تن زغال سنگ تولید شد و در ۱۹۷۵ این مقدار به ۸۰۰۰ تن رسید. از ۱۹۷۵ به این طرف تولید به طور قابل

(۱۲-۱۲)

کمونیست چند حزبی افغانستان

الطبیعی ارسطو و دروان امیر

اگر در افغانستان سیاست را به مفهوم نظام حزبی امروزی مطالعه کنیم، هیچ مفهومی را از ادله نخواهد کرد. سوای شاهی مشروطه که از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶ دوام کرد، در افغانستان هرگز نظام سیاسی بوجود نیامده است.

بر اثر همگانی بودن بیسواندی و ساختمان جفرافیا ایشانی که رفت و آمد را با شواری ها روبرو ساخته است افغانها تا سالهای اخیر در برابر جریانا تیکه حتی در دهکده های مجاور آنان اتفاق مسی افتاد دلیستگی نداشتند. ده واحد اساسی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک فرد افغان را تشکیل می دهد. رهبران محظی به صورت عنعنوی از نظارت ملی و ولایتی آزاد عمل می کردند. جاده های ارتباطی خارج کابل در اوخر دهه ۱۹۵۰ احداث گردید. امروز هم زندگی به نحوه بیشین ادامه دارد و در برابر هر نوع تحول و تغییر و نهضت مقاومت صورت می گیرد.

برای افغانها سیاست بسطح قریب و قبیله و یا جمیعت تظاهر می کند در جانبه که روند نموکراسی بینیوه عنعنوی رواج دارد، فیصله ها و تمامیم در فضای باز نمکده که جرگه نام دارد صورت می گیرد.

و همه مردم در آن شرکت می جویند . اگرچه در رای نهی جرگه تنها مردان سهم می گیرند ولی قبله روی موضوعات مورد علاقه با خانواده های خود به بحث و گفتگو می بردازند . زن در مباحث از اهمیت فراوان برخوردار است اگرچه کسی او را نمی بیند و در ملامه عام ظاهر نمی شود .

نظام عنعنوی حکومت دلخواه مردم افغانستان در خود مختصاً ری محلی نهفته است چنانکه از طرف حکومت ملی کوچکترین مداخله ای در آن بعمل نماید . ولی گاهی که موضوعات مهم ملی ببررسی گرفته می شود مانند تدوین قانون اساسی ، در آنگاه لوبه جرگه " مجلس کبیر " برگزار می گردد و نمایندگان تمام نقاط کشور در آن شرکت می نمایند . در سیاست ملی افغان ، کلمه بی قانونی سراغ نمی گردد زیرا اکثر مسائل بوسیله همه بررسی تائید و تصویب می شود . در چنین بک نظام مسائل سیاسی عاجل و محرد بوده ، و فاداری در برابر آن محظیه مسئلله شخصی بشمار می رود . بک فرد افغان شاید در برابر دولت ، خانواده و حتی بزرگتر دعکده و فادار بعاند و یا فرمان ببرد ، این تعهد شخصی او را نمایان می سازد ولی بیانگر ایده لوزی او نمی شود ، و شامل حماقتیگان نماید که مقام های بلند دارند نمی گردد . روی هم رفته مراتب و فاداری شخصی با قوانین نیمنی و فرهنگی که هر افغان از خورد سالی بآن عادت گرفته اند و در طول عمر بان بابند می باید ارتباط دارد . از نگاه تاریخ افغانها وقتی سیاست پیشنه می شوند که

نیرو های پرخاشگر بوطن آزاده آنها تعاوز کند و یا خود آنها به کشوری لشکر کفی کنند. این مسئله بار بار ثابت شده که دشمنی قبیلوی خود را ترک میدهند و بصورت موقتی با هم پیمان می بندند تا دشمن مشترک را به جایی بنشانند. چنانکه در برابر کابل یا اسلام آباد و هند بر تابعی ساقی با چنین سیاست ها متولی عده و نیرومندی خود را در بین قبائل دو طرفه سرحد به نمایش گذاشتند. ولی بخاطر باید سپرد که جنین دارو مدارها سطحی و گذری بوده و زود از هم باشیده است. بهر حال بسی از رفع تهدید بیگانگان دشمنی و خصوصت دیرینه بار بیگ آغاز می شود. با یادن صورت همینکه خطر بر تابعیه از بینزفت، و یا اگر امروز اتحاد شوری سربازان خود را از افغانستان فرا خواند بیگ از پیمانها کمتر استفاده می کنند. بیک قبیله است نشانده سلاح دریافت می نماید و در برابر قبیله مخالف می جنگد ولی همینکه خلی رفع گردید در آن وقت در مقابل هواخواه خود به ستیز بر می خیزد. مختصر اینکه اتحاد و یکباره ای که به هر خاطر بوجود آمد باشد زود از بین میرود. ولی ساختمان قدیمی پایدار می ماند بین معنی که افراد در برابر هر نوع تجاوز داخلی و خارجی بسیج می شوند و سلاح می گردند.

از مبحث بالا چنین جمع بندی می توانیم که افغانها به اندیشه هایی مایلند. آزادی قبیلوی را می بسندند، بی نیاز هستند و به وفاداری خانوادگی متعهدند. در برابر تغییر و تحول

سخت ایستادگی می کنند . این مقدار مت در میان افغانها بشتو زبان بیشتر وجود دارد ، به انتقام جوئی و خون ریزی علاقه مند اند . مردم افغان طرفدار تساوی حقوق اند ، از مسامی سه جمی اطاعت نمی کنند ، مخصوصاً اگر بدانند که رهبران گروهها از احترام شخصی برخوردار نیستند و از زحمت خوبی نمی گیرند . در با از موارد ارزش های افغانان به عادات خوب و درشت بومیان امریکائی شباهت دارد " مرا بحال خود بگذار " روند زندگی آنان را تهکیل می نمهد .

بر مبنای عnenات ، افغانان به سازمان های فراسوی مسر ز های محلی گروهی و قومی گام بر نمیدارند . مایلی که مؤرد علاقه مردمان محلی قرار می گیرد همانا شماری محدودی از تحصیل یافته گانند که بصورتی به حکومت مرکزی ارتباط دارند .

در چارچوب احزاب سیاسی فعلی ، فلسفه سیاست و با بندهای حزبی بصور تعمومی افکار نادرست تلقی می شود . این جنبش مارک تذکر حتی میان اعضاًی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز وجود دارد . حقایق پایدار شده در درون حزب دموکراتیک موجب انکشافات بسیار گردیده است .

آغاز سیاست جنبد الدنان :

سیاست جنبد افغانستان از دوره کوتاه سلطنت سال امیر امان الله منبع گرفته است . هنگامیکه امیر در سال ۱۹۱۹ بـ

سلطنت رسید جنگ اول بین امپراتوری عثمانی از هم می باشد ، و کشور های تازه اسلامی موجو د می آمد . نز ترکیه کمال اتابرک جامعه سنتی اسلام را به بنای معاصر تبدیل نمود . نز شمال رژیم جدید اتحاد شوروی افکار و ایده های بلند بالاتی را بمردم اعلام کرد و از استعمار نکوہن نمود و تعهد سپرد که در آسیا مرکزی به مردمان زیر سلطنهای زار ها آزادی خواهد داد . نز جنوب گاندی توسعه جوئی برخانیه را بمبازه طلبید .

باد تغییر و تحول در فضای کابل نیز بوزید . امان الله تحت تاثیر اصلاحات اتابرک قرار گرفت . شماری از شاگردان افغان را جهت تحصیلات عالی به ترکیه و کشورهای اروپایی فرستاد . افزون برین امیر تلاطف می کرد تا کشورهای را یک یکه تغییر بدهد . بس از سرنگونی امان الله ۱۹۲۹ جنگ داخلی شمله ور گردید ، سرانجام نادر شاه بعنوان پادشاه افغانستان تاج بوشید . نادر شاه از اصلاحات امیر جلوگیری نمود ، ولی تخم افکار نوین که کاشته شده بود ، بارور گردید .

در دوران پادشاهی امان الله سازمان سیاسی مشروطه خواهی " جوانان افغان " ظهر کرد . امان الله و محمد نادر هر دو قانون اساسی ۱۹۳۳ و ۱۹۳۱ را تدوین نمودند ولی در نهضه ۱۹۳۰ سازمان جوانان افغان چنان راه و رسم رانیکال پیشه ساخت که نز صد سرنگونی رژیم و اصلاح اصول نهضتی برآمد . حکومت نز برابر

آنست اندر کار شد و سازمان مذکور را بر انداخت. شماری ۱ از آنان به قتل و کشته راهی سیاسی مباریت و رزیدند، چنانکه پلک عضو آن در نوامبر ۱۹۳۶ نایر شاه را بقتل رسانید.

محمد ظاهر شاه پس از ۱۹ ساله پادشاه مقتول بر اریکه سلطنت تکیه کرد ولی بر اساس عنعنات افغان چون او بسیار جوان بود بنا بران در ۲۰ سال آینده در حقیقت سه عموبیغ بر افغانستان فرمان نروانی نمودند.

شاه محمود یکی از عموها شاه مرد آزادیخواه در ۱۹۴۲ - صدراعظم مملکتگرید و هفتمین اجلاس شوری ملی را برگزار کرد. شوری یاد شده ۱۲۰ عضو داشت و فاقد قدرت سیاسی بود. شاه محمود در جهت تقویت شوری گام دیگر برداشت، ۴ عضو تازه بآن بیافزود. اعضا جدید از اصلاحات سیاسی او پشتیبانی میکردند و با کمال احتیاط دموکراسی را در کشور بیاده می نمودند. اعضا یاد شده در صدد برآمدند ریشه رشوت خواری و فساد را براندازند، فسادی که با رشوه و تحفه بنیاد حکومت دموکراسی را متزلزل می نمود. در افغانستان مانند، سائر کشورهای شرق نزدیک رشوت خواری از ادوار بسیار قدیم رواج داشت. هیجانهای سیاسی در کشور بار آورد و قانون مطبوعات در جولای ۱۹۷۰ در شوری ملی به تعویض رسید و روزنامههای آزاد منتظر گردید. بنج روزنامه تازه فعالیت‌های نشراتی خود را آغاز کرد. جراید یاد شده از گروههای بخصوص نمایندگی می کرد و شماری از آنها را بکال بودند. (ادامه دارد)

منابع

ملاحظه کاهن یافته است . در سال های قبل از جنگ دلیل آنرا مشکلات اداری و کمبود نیروی انسانی میدانستند که بعلت ستمزد اندک ایجاد شده بود . از ۱۹۷۹ تا به امروز جنگ این کاهش را شدیدتر ساخته است .

زغال سنگ افغانستان در نستگاه تولید سمنت ، صنایع ناجی شرکت پنبه ، نستگاه تولید بوره و سیلوی کابل و خاکه آن برای تسبیخ مورد استفاده قرار می گیرد .

در اواخر دهه ۷۰ شرکت نستگاه تولید زغال طرح ریزی شده بود در ۱۹۸۰ کار اعمار یکی از آنها به بلغاری ها سپرده شد . رژیم کابل تصمیم دارد نخابر زغال سنگ افغانستان را وسیماً انکشاف بدهد . برای اولین بار در ۱۹۵۴ چک ها معادن زغال سنگ را آماده ساختند و بک گروپ چک ها که در ۱۹۷۸ آمدند موفق شدند تولید را در دو سال ۳ چند بسازند . در ۱۹۷۹ تولید سالانه بالغ بر ۱۹۰ تن بود .

تولید زغال برای افغانستان و زمامداران کمونست آن خیلی مهم است زیرا صنعتی است ثغیر که نیازمند کار جانفراس است و برای " مملکتی که از هیچگونه منبع نیکر ارزی بهره ندارد مواد احتراقی لازم تهیه میدارد " بله با آن همه گاز افغانستان که به شوروی سازی می خود افغانستان حقیقتاً از هیچ کونه منبع نیکر ارزی بهره ندارد . تولید زغال سنگ در عین حال تقاضای مردم را برای گاز کمتر می سازد و به این ترتیب گاز می تواند به

اتحاد شوروی فرستاده شود.

مس:

عواهد وجود دارد که نخایر مس عینک در ولایت شرقی لوگر در جنوب کابل تقریباً ۰،۰۰۰ سال قبل مورد استفاده قرار گرفته بود تاریخ استفاده از مس در افغانستان به عمر برونز "مفرغ" بر مسی گردد و پرخی دانشمندان گفته اند که احتمال دارد برونز در آنجا کشف شده باشد. مس در سکه زدن، نیزه ساختن و درست کردن وسایل بخت و بیز و دیگر آلات و افزار مورد استفاده قرار می گرفت. در یک نسخه خطی چینایی که از قرن سوم یا چهارم عیسوی ماند، از مس عینک تذکر بعمل آمده است.

در سال های ۱۹۷۰ در جریانی که برای ایجاد یک زیربنای صنعتی در افغانستان طرح ها ریخته می شد، بلانگذاری برای استخراج مس عینک نیز صورت گرفت. این بار نیز شوروی ها به خواست خود امکانات مالی تفحص جیولوژیکی برای تعیین مقدار منابع را بر عهده گرفتند. بر آغاز تحقیق می کردند که معادن عینک مجموعاً بیشتر از ۶ میلیون تن مس بشکل سنگ معدنی نسبتاً عالی ۲٪ تا ۲٪ فیض دارد. بلانگذاری افغان ها برای اکشاف میان و اعمار سُتگاه تصفیه مس ادامه یافت. قرار بود این مس برای مادرات و بکاربرد در داخل کشور مورد استفاده قرار بگیرد. افغان ها در نظر داشتند انرژی مورد ضرورت سُتگاه تصفیه مس را

از بند برق کجکی در هلمند که به کمک امریکایی‌ها اعمار گردیده بود و دستگاه تولید برق مزار شریف و دیگر دستگاه‌های اطراف کابل تهیه نمایند.

اما هنگامکه مذاکرات در مورد سرمایه و موافقت نامه این بروگرام به مراحل نهایی نزدیک شد آشکار گردید که اگرچه بلان‌گذاران شوروی در تهیه بلان انکشاپی سهم داشتند نظرات آنها در مورد عملی کردن بلان خیلی متفاوت بود. در واقع پیشنهادات اتحاد شوروی برای مساعده دقیقاً مشابه به پیشنهادات شان در مورخکان حاجی گک بود که در بالا مورد بحث قرار گرفت. آنها میخواستند صرف استخراج و تغليط سنگ معدنی مس در افغانستان صورت بگیرد و بعد سنگ تغليط شده به اتحاد شوروی فرستاده شود تا در آنجا تصفیه گردد.

در یک واقعه که به تازگی رخ داد نیروهای مقاومت افغانستان اسناد اتحاد شوروی را بست آورند. این اسناد اهمیتی را که این نخایر حایز می‌باشند نهان میدهد. یکی ازین اسناد که از روسی ترجمه شده قرار ذیل است:

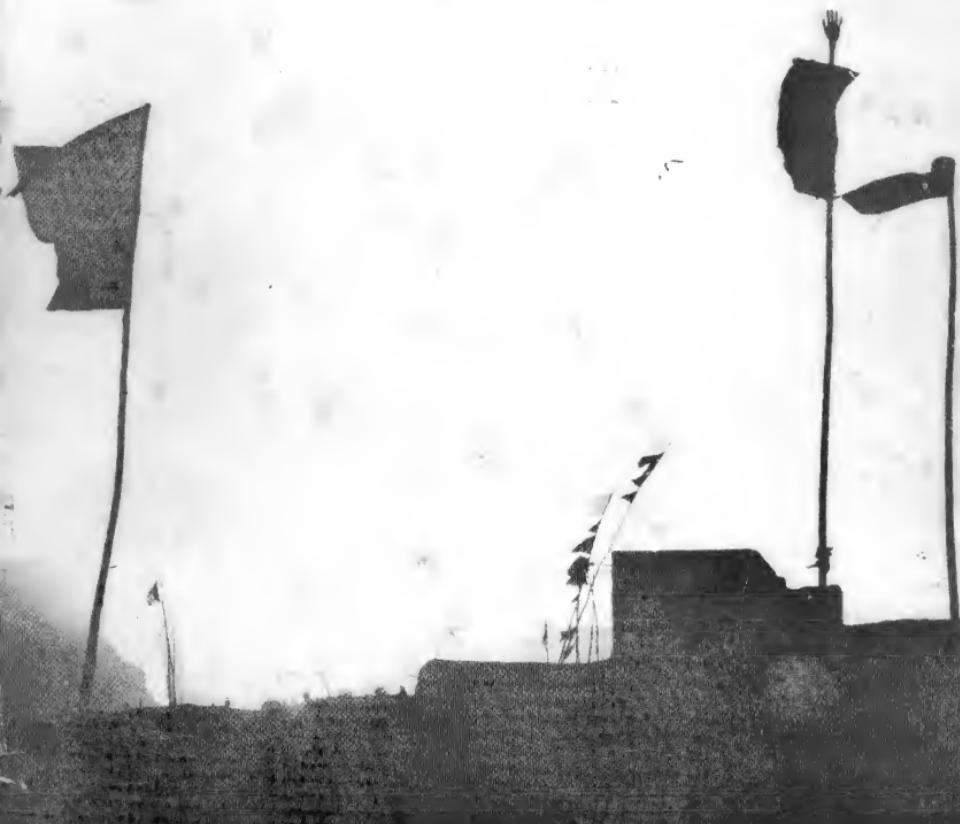
تاریخ - ۱۹ جولای ۱۹۸۱

به رفیق میر صاحب کاروال مسئول حوزه مرکزی شهر کابل ولایت کابل کا پی به رفیق بوبیاروف ای. ام کارکنان، مامورین رسمی و کارکنان فنی معادن عینک که جمعاً در حدود ۴۰۰ نفر می‌شوند علرغم شرایط نشوار در ساحه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



اُفْغَانِستانِ مطبوعاتِ جهان



به استقبال از فیصله حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جریان سال های بعد از انقلاب معروف جستجوی سنگ معدنی، مس، در معادن عینک بوده اند . از برکت کار جمعی و مادقانه در حدود ۱۱ میلیون تن مس در معدن عینک کشف شده است . این معادن از نظر جسامت، غنا و مقدار مس از بزرگترین معادن جهان بشمار می آیند . جستجو برای معادن دیگر ادامه دارد .

در حال حاضر کار بیست و چهار ساعته با ماشین های برمد کاری بما فرمت آنرا فراهم کرده تا سوراخ های به عمق ۱۰۰۰ متر حفر کنیم . برای اینکه بتوانیم ماشین های برمد کاری را بدون وقده استعمال نماییم نماه دوبار لازم است در لوله های برمد کننده مواد چرب کننده گرم بکار برد شود ، بروزهای جدید انداخته شود و برمد کارانی که کار شان تمام می شود برای استراحت فرستاده شوند . قرار است ریاست تفحیمات مابقات الارضی و وزارت معادن و صنایع این وسائل ضروری را فراهم سازد و برمد کاران جدید بفرستند . یک قطار شامل هشت موتور روز دوشنبه ۲۰ جولای ساعت ۹ بجه کابل را به قدم عینک ترک می گوید . وزارت معادن از شما خواهشمند است تا امنیت قطار را بر عهده بگیرید و در حمل و نقل مواد با ما همکاری نمایید . برای اجرای این عملیات و آوردن برمد کارانی که از کار فارغ می شوند دو ساعت تا دو ساعت و نیم وقت لازم است .

با عرض احترام وزارت معادن و صنایع ۱۸ جولای ۱۹۸۱

محمد اسمعیل دانش

نمبره مسلسل: ۲۱۵۰۲۷۰۴۱۳۶۰۲

بدین ترتیب آقای دانش که در آن هنگام وزیر معدن و صنایع بود ناگفته نهاده بیان میدارد که جامات معدن عینک دو چند آنچه در اول گفته شده بود است، عینک توانایی تولید ۱۱۵ میلیون تن مس را دارد. این رقم با بزرگترین معدن جهان بنام بینگام که نریوتا "ایالات متحده" موقعیت دارد قابل مقایسه است. معدن بینگام در همه مدت عمر خود در حدود ۹ میلیون تن مس تولید کرد. معدن مس زرگزگان در قزاقستان که یکی از دو معدن خیلی بزرگ اتحاد شوروی است صرف یک ربع تا یک ثلث عینک جامات دارد. معدن عینک به اندازه کافی بزرگ است که بتواند توجه اتحاد شوروی را جلب کند. اگرچه مسیک ماده استراتیزیک نیست (حداقل برای ایالات متحده) زیرا به وفرت در ایالات متحده و بیکر جاها یافت می شود. اما اهمیت آن به مسکو بیشتر است. شوروی ها خیلی تلاش ورزیده اند تا این معدن را مورد استفاده قرار بدهند. در جولای ۱۹۸۶ شوروی ها میخواستند از سرحد اتحاد شوروی به معدن مس عینک برق بیاوردند. مجاهین افغان نیز از اهمیت معدن عینک بخوبی آگاه اند و بر بلان های شوروی برای استفاده از آن ضربات قابل ملاحظه وارد کرده اند. (بطور مثال در ماه می ۱۹۸۶ آنها یک هلیوکوپتر توبدار روسی را که از هک قطار راهی عینک محافظه می کرد سقوط داده بینج انجینیر

روسی را کشند و یکی را زنده سستگیر کردند) . در حال حاضر معدن عینک صرف بعنوان یک پوسته نظامی دور افتاده مورد استفاده است و کار ناجیز برای انکهاف آن صورت می گیرد . اما مطبوعات افغانستان پهلوی اینکهاف آن انعکاس می نماید .

آهن :

گزارش‌های جیولوژیکی بنچ معدن ، ۵۲ ، منبع قسماً بهره برداری شده و ۱۲ منبع ثبت‌شده آهن را در افغانستان نشان می‌نماید . مهترین این منابع معدن حاجی گک است که در سلسله کوه‌های مرکزی موقعیت دارد . این معدن غنی اولین بار ۱۹۰۵ سال قبل کشف شد اما موقعیت نست ناری آن در نهایت شرقی سلسله کوه‌های بابا تا کشف دوباره آن در سال ۱۹۶۰ این معدن را از توجه دورنگ داشت . سروی مقیماتی که مانند همه وقت به وسیله خوروی‌ها اجرا شد اندازه و نوعیت معدن را تعیین نمود . گفته می‌شود که سنگ معدنی آن از نوع عالی با بریت - مگنتیات است و ۶۲ فیمداد آهن دارد . نخایر ثبت‌شده آن در حدود ۱۱۱ میلیون تن است و نخایر احتمالی آن " به اساس حسیات منطقی جیولوژیکی " بیشتر از ۲ بليون تن گفته می‌شود . برای مقایسه از معدن می‌باشد در میانی سوتا مثال می‌آوریم که اساس صنعت فولاد ابیالات متعدد را تشکیل می‌دهد . تولید مجموعی این معدن در جریان ۲۳ سال پیش از



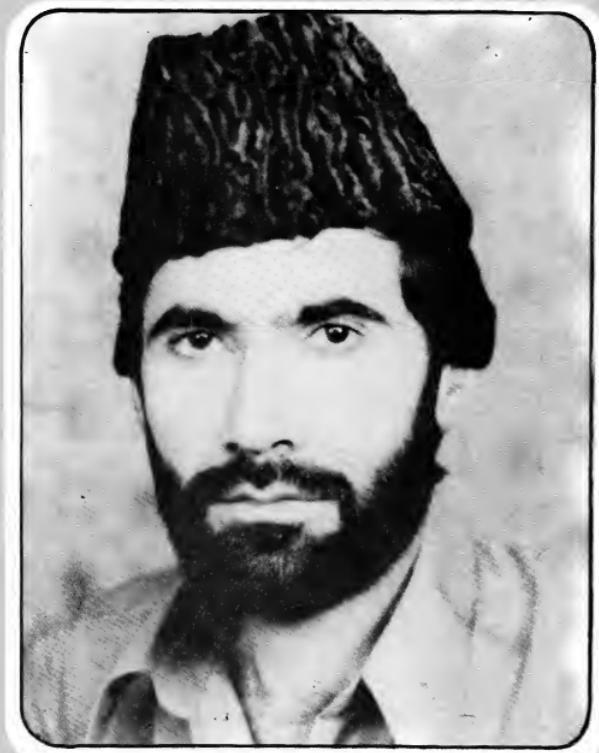
قوما ندانهای سنگر های افتخار آفرین
افغانستان عزیز که در دوران نهمین
سال تجاوز شوروی بشهادت رسیده اند
روان شان شاد و خاطر شان گرامی باد



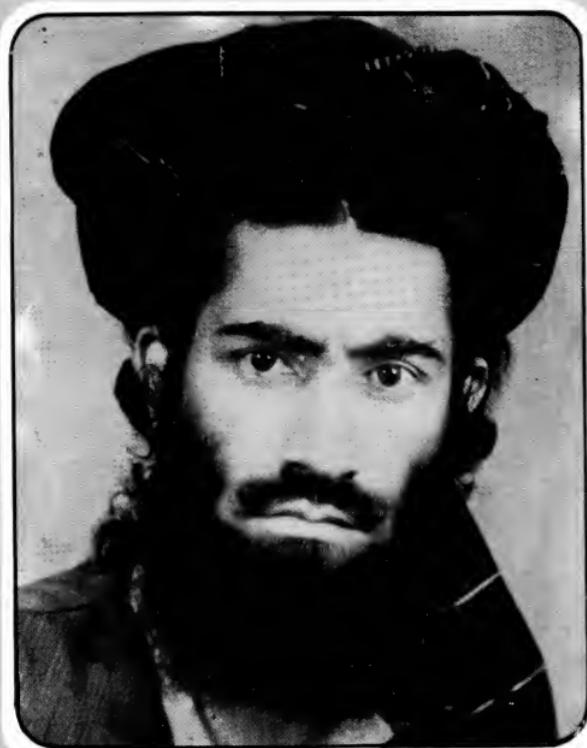
شهید پایانده محمد طالوت موحد ، امیر حوزه نعمان
ولایت بروان حزب اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۵ ثور ۱۳۶۲



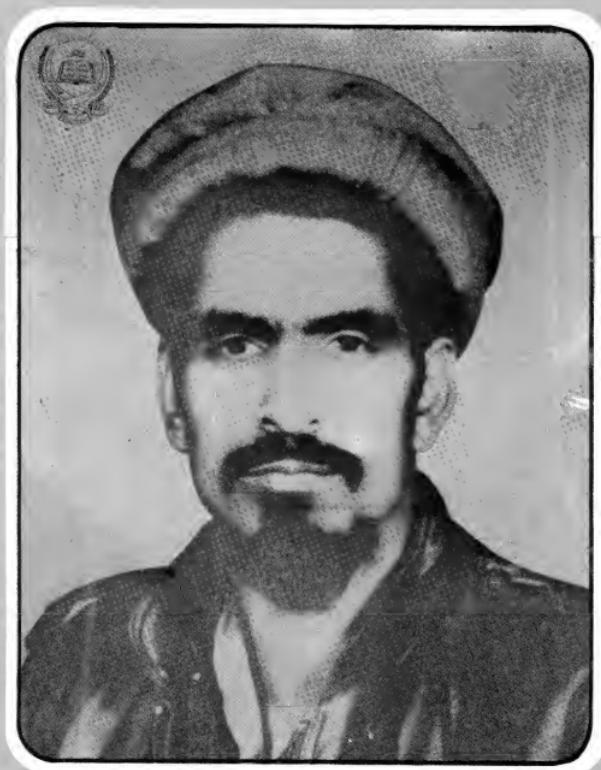
شهید میر افغان امانیار ه قوماندان حوزه سه گنبد
ولسوالی بفمان ولایت کابل اتحاد اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۱۹ سلطان ۱۳۶۲



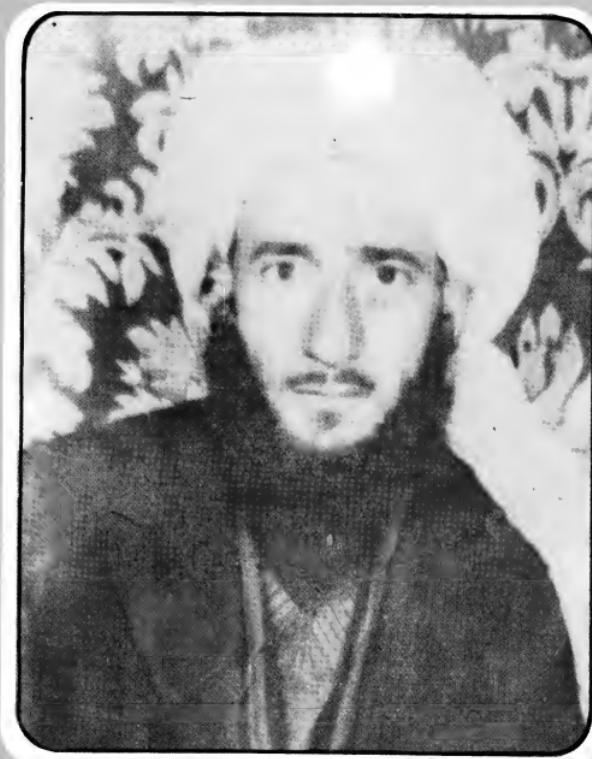
شهید محمد اسماعیل طاری ، امیر عمومی ولایت لغمان
جمعیت اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۲۳ اسد ۱۳۶۲



شهید عبدالرحیم حنیفی، امیر عمومی ولایت لغمان
حرکت انقلاب اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۲۱ میزان ۱۳۶۷



شهید عنایت الله شفق، آمر عمومی جیهات ولسوالی
بکرگام ولایت بروان جمیعت اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۸ عقرب ۱۳۶۲



شهید عبدالقادر ، قوماندان عمومی ولسوالی مای
قره باغ و سرای خواجه ولایت کابل حزب اسلامی
افغانستان
تاریخ شهادت: عقرب ۱۳۶۷

از انتشارات کانون ترجمه آثار جهاد الغان

اُفغانستان "مطبوعات چہان"

نشریه ایرانیات معاصرات جهانی میراث اسلامی

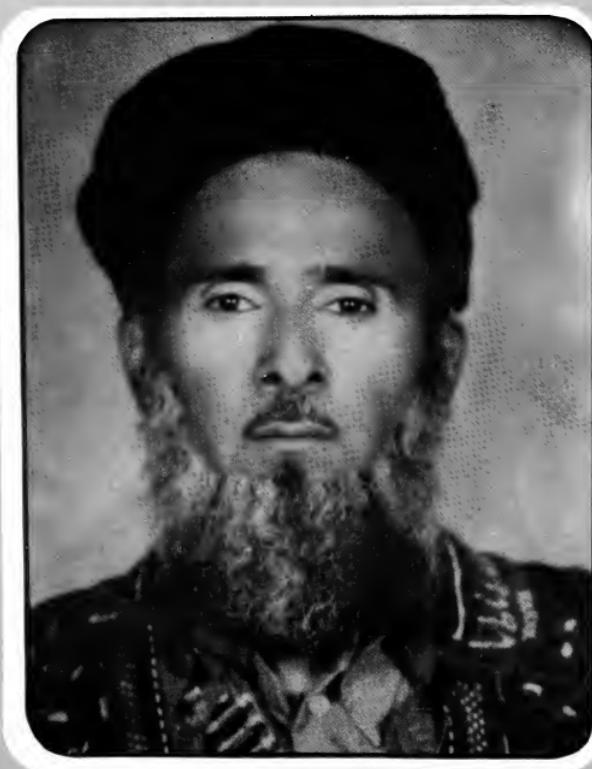
شما و حساب ملکی ۸۴۹

وچا شترائک سالانہ

در پاکستان ۱۰۰ روپیہ
۳۰ دالر

ادرس: پُست بس 417 ڈی. ڈی. ڈی. ۰۰۷ پشاور

آریانا آفغانستان پر نظر
شومیان هارکیت ڈنلہ آباد



سید حبیب‌الله تورباچا، آمر غنبد حضرت امام حسین (رض)
و لسوالی خوکیانی ولایت ننگرهار جمیعت اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۹ قوس ۱۳۶۷

زمان انکشاف آن تا اواسط دهه ۶۰ به بیش از ۲ بیلیون تن می‌رسد . به این ترتیب معدن حاجی گک ممکن است از نظر مقدار نخیره خود سومین معدن جهان باشد . فراموش نباید کرد که منابع امریکایی و اروپایی رو به کاهش می‌رود که این مسئله اهمیت معدن حاجی گک را افزایش می‌بخشد . چونه که در تولید آهن صنعتی از مواد لازم است در نزدیکی حاجی گک بیدار می‌شود و زغال سنگ و گاز طبیعی نیز بالقوه وجود دارد .

قبل از آنکه کمونست‌ها به قدرت برآمدند بازارهای جهانی برای انکشاف حاجی گک علاقمندی زیاد نشان میدادند . اگر سرکهای خوبتر، پک خط آهن و لوله گاز اعمار می‌شد . با شروع کار بر سرگاه فولاد کراجی اهمیت اقتصادی حاجی گک بیشتر گردید . شرکت فرانکو-جرمن زمینه مطالعات بیشتر را آماده ساخت و نظر داد که بعد از مرحله تغذیه، سنگمعدنی به دو آب که کمتر از ۲۱ میل (۵۰ کیلو متر) به طرف شمال موقعیت دارد انتقال داده شود . قرار بود سرگاه ذوب آهن در دو آب اعمار گردد زیرا زغال مورد ضرورت را می‌شد از شاه باشک و دره صوف که در شمال غرب دو آب موقعیت دارد بست آورد .

انکشاف معدن حاجی گک بگی از مهترین اجزای بلان هفت ساله داود گردید . برای انکشاف حاجی گک لازم بود گنبدی از سرکهای خط آهن و وسایل حمل و نقل برای استخراج، تصفیه و فروش، سرگاه تصفیه، خانه‌ها و نخیره‌گاه‌ها نیز اعمار گردد . برای اینکه

برنامه اکشاف حاجی گک از نظر اقتصادی با صرفه باشد تصمیم گرفتند ظرفیت سستگاه ذوب آهن را سالانه یک میلیون تن بازند برق و منابع دیگر انرژی نیز ضرور بود و از همه که بگذریم دولت برای اجرای این پلان‌ها به سرمایه نیاز داشت. در سال‌های ۱۹۷۰ - ۱۹۷۶ بالاخره داود و دیگر اعضای حکومت افغانستان تصمیم گرفتند اتکای اقتصادی افغانستان را به اتحاد شوروی کاهش نمند. بنابراین چنین درنظر داشتند که برای اکشاف معدن حاجی گک از کدام منبع کمک بگیرند. ایران موافقه کرد که برای اعمار خط آهن که معرف آن نرحدود یک بیلیون دالر می‌پند قرضه بدهد یک کمپنی فرانسوی بنام سوپریل سزوی مقدماتی را اجرا کردو طرح یک شبکه خط آهن را ایجاد کرد که از هرات به کندھار و کابل (نزدیک به مسیر سرک‌های افغانستان) میرفت و گذشته از ارتباط دادن مرز‌های ایران و شوروی و پاکستان از حاجی گک نیز می‌گذشت. در سال‌های ۱۹۷۶ - ۱۹۷۷ موسات‌منول افغان کار را به سرک‌ها شروع کردند. افغانها امیدوار بودند که قسمت باقیمانده سرمایه این بروزه را شرکت‌های فرانسوی و جرمنی، امریکایی و جاپانی تهیه خواهند داشت. قراربود میله‌های آهن به ایران و پاکستان (به آن هنگام شوروی‌ها در کراچی معروف اعمار سستگاه تولید فولاد بودند) و اتحاد شوروی و دیگر بازار‌های جهانی صادر شود.

این بروزه، بروزه‌ای بود بزرگ که بر منابع ملی بسیاری سنگین تحمیل می‌کرد. اما منافع بالقوه آن چشمگیر بود، به

این دلیل تصمیم گرفته شد این پروژه هماهنگ با توسعه زیربنای منابع انرژی اکشاف داده شود و با درنظر داشت بازار های صادراتی تولید آن افزایش داده شود . قرار بود برای تولید آهن تکنیک های جدید مورد استفاده قرار بگیرد و به عوض زغال گاز طبیعی استعمال شود تا تولید آهن را که در اول نمیهد از مر ۴۰۰ تن نزدیک سال بالا باشد با صرفه بسازد .

ناگفته بود است که مهاورین اتحاد شوروی در طرح های اولیه این بروگرام سهم داشتند حتی برای عملی کردن آن قرضه پیشنهاد کرده بودند . اما زمانی که بلان هفت ساله داود آناده گردید کمک اقتصادی اتحاد شوروی جامه عمل نپوشید . مذاکراتی که در قبال این مسئله صورت گرفت آشکار ساخت که اتحاد شوروی برای حاجی گک نیز بلان هایی متفاوت از آنچه افغانها فکر می کردند تهیه کرده است . آن ها عیناً مانند منعنه میخواستند مصرف استخراج سنگ معدنی در افغانستان صورت بگیرد و بعداً این سنگ معدنی به اتحاد شوروی فرستاده شود تا تولید آهن و فولاد با استفاده از زغال و منابع انرژی شوروی در انجام یابد . خلاصه اینکه روسها میخواستند معدن آهن حاجی گک را نیز مانند گاز طبیعی افغانستان در انحصار خود داشته باشند . اگر تعریف استعمار بهره برداری از مواد خام یک کشور و فروش تولیدات حاصل شده بر آنکشور باشد نمونه دقیق تر از استعمار شوروی در افغانستان نمیتوان سراغ کرد .

مشکل نیست انگیزه هایی را که در عقب بلان های اتحاد شوروی نهفته است دریافت کرد . در سالهای اخیر میزان تولید آهن و مقدار و کیفیت منابع اتحاد شوروی بائین آمده است . منابع درجه اول سنگ معدنی به آخر رسیده است و ایجاد می کند منابع غیر اقتصادی و درجه دوم که عموماً دور از شاهات صنعتی موقعیت دارد مورد استفاده قرار بگیرد . بدین ترتیب هیچ تعجبی نداشت هنگامیکه شوروی خیلی زود بعد از تجاوز به افغانستان اعلام کرد که در نظر دارد آهن معدن حاجی گکرا استخراج کند و از شمال افغانستان تا این ساحه خط ریل اعمار نماید .

سندت :

افغانستان منابع غنی چونه و زغال دارد که برای تولید مقدار قابل ملاحظه سنت کافی است . تفاماً هایی که اکشافات جدید بر جامعه می گذارد در ۱۹۵۸ منجر به اعمار اولین سستگاه سنت در افغانستان گردید . در سال ۱۹۶۱ اگرچه تولید نامنظم بود و گاهی سنت در بازار سیاه نایاب می شد ، میزان تولید به ۱۵۰۰۰ تن بلند شد . در سال ۱۹۷۶ هفت گودال سنگ چونه و دو سستگاه (اولی در پلخمری و دومی در نزدیکی های قندمار) فعال بود و یک گروه چکسلواکیا بی سستگاه پلخمری را توسعه میدارد . در نظر بود دو سستگاه بزرگ دیگر در سال های ۱۹۸۰ ساخته شود - یکی در هرات با طرفیت ۲۰۰۰ تن و دومی در قندمار به طرفیت

۸۴۰ تن . انتظار میرفت این دو سنتگاه علاوه بر برآورد نیاز های داخلی مقدار قابل توجه سنترا برای اهداف صادراتی نیز تولید کند .

در سال ۱۹۸۱ عجیب ترین بروتوكول تجاری برای سنت بین افغانستان و اتحاد شوروی امضا شد . طبق آین بروتوكول طفین تولید سنتها را تن به تن معاوضه می کردند . هدف این بروتوكول را زمانی میتوانیم درک کنیم که بدانیم جنبه سنت اتحاد شوروی پانی است و در بازار جهانی خریدار ندارد ، در حالیکه سنت افغانستان با نظرداشت معیار های بین المللی تولید می شود و در بازار های بین المللی بسود زیاد بفروش میرسد .

کرومیم :

معدن لوگر در نزدیکی کابل بزرگ نیست و در حدود ۱۸۰۰۰ تن سنگ معدنی ۴۲ فیم دارد (اگرچه گزارش نیز عده جیولوزیست های جرمن مقدار سنگ معدنی آنرا بکو نیم تا دو بار بیشتر ازین نشان داد) اما برای مدت طولانی خیلی مورد توجه قرار داشته است . این توجه عمدتاً به این دلیل بوده است که کرومیم بک ماده معدنی میم است که برای تولید فولاد درجه اول ضرور است . فولاد درجه اول علاوه از نیکر موارد استعمال برای اهداف نظامی نیز مورد استفاده قرار می گیرد . آهالات متحده و غرب منابع میم کرومیم ندارد و برای کرومیم مورد ضرورت خود بر مالک افریقا جنوبی متکی است

که ناحیه ایست سخت بی ثبات . نز مواردی ایالات متحده حتی مجبور شده است کرومیم مورد ضرورتیش را از اتحاد شوروی که منبع نیگر کرومیم است بخورد .

در سال های ۱۹۷۰ مقدار تولید کرومیم اتحاد شوروی بعد از تولید افریقا جنوبی بیشترین بود « تولید کرومیم افریقا جنوبی سالانه به سه میلیون تن متريک می رسید) اما در سال های ۱۹۸۰ - کمبود کرومیم شوروی ها را واداشت تا نست به تفاصیت وسیع برای بست آوردن کرومیم بزنند . بدین ترتیب ممکن است علرغم نخیزه اندک معدن کرومیم لوگر به شوروی ها مهمن باشد - هم به عنوان یک منبع برای خود شان و هم برای انکار آن به غرب که برای کرومیم متکی به نیگران است .

سنگ های قیمتی :

زمرد ، پاقوت ، لجورد و زمرد کبود از سنگ های قیمتی شناخته شده افغانستان است و برخی از منابع این سنگ ها ارزش چشمگیر دارد . تعدادی زیاد ازین سنگ ها که در زمان ترہ کی به نمایی گذاشته شد و در حدود ۱۰ میلیون دالر ارزش داشت اندکی پس از تجاوز شوروی به وسیله شوروی ها غارت شد . در حال حاضر به علت جنگ اکثر نخایر سنگ های قیمتی تحت کنترول نیرو های مقاومت قرار دارد و رزیم کابل را بر آنها نسترس نیست . فروش این سنگ ها بوسیله مجاہین به جنگ آزادی افغانستان کمک می نماید . اما اگر شوروی

ها بیرون شوند جنسیت عالی این سنگ‌های قیمتی (خامتاً لاجورد و زمرد) سود بزرگ را به جیب مسکو سرازیر خواهد کرد . این سنگ‌های قیمتی به طور بالقوه یک منبع اقتصادی مهم برای یک افغانستان آزاد محسوب می‌شود .

نهگر مواد معدنی استراتیزیک :

بر افغانستان نخایر معدنی متعدد و مهم وجود دارد که برخی از آنها اهمیت استراتیزیک دارد و برخی صرف برای اکتشاف افغانستان یا برای اعتبار تجاری آن مفید است . نخایر مس جست ، مولی بدنیوم ، قلیع ، برلیم ، سیم ، روبیدیم ، لیتیم تنتالم ، بارایت ، سلستایت ، پنبه نسوز (اسپستاس) مگنیسیات موسکوویت و طلا از جمله منابع قابل ملاحظه افغانستان است . طلا و نقره از زمان‌های قدیم به این‌طرف استخراج می‌یافود .

یکی از مهمترین منابع ، نخایر بورانیم است که بحواله گزارش‌ها بر افغانستان وجود دارد . اما تائید صحت این گزارش خیلی مشکل است . گزارش گردیده که تشكیلات آتش فشانی خانه‌یشان در قسمت هایی از هلمند از بورانیم و نیک عنامر نادره . زمینی غنی است ، اما مقدار این عنامر نا معلوم است و تا جندی قبل گزارش‌ها و نقشه‌های این نخایر بر استرس نبود . گفته می‌شود نیک عنامر غنی از بورانیم از زمان تجاوز به این‌طرف گاه و بیگانه به وسیله شوروی‌ها غارت شده است .

آب و نیروی برق آبی :

در تحلیل اهداف شوروی از اغفال افغانستان به اهمیت منابع آبی در آسیای مرکزی که با پر و خشک است و منابع انرژی ندارد هیچ توجه بعمل نیامده است.

شاخه های سه دریایی عمدۀ از افغانستان منتهی میگیرد :

- شاخه های ترکستان دریایی آمو و دیگر شاخه های کوچک که همه به طرف شمال با اتحاد شوروی یا به داخل اتحاد شوروی سرازیر می شود .

- شاخه های دریایی سند که به طرف جنوب و غرب جریان میکند .
- شاخه های دریایی هلمند و دیگر دریا های کوچک که در جهیل سیستان می ریزد .

دلجب اینست که ازین سه دریا که همه به افغانستان و - همایگان آن معم اند صرف شاخه ترکستان دریایی آمواز کار های انکشافی اتحاد شوروی در افغانستان بهره مند می گردد زیرا پروژه هایی که در آنجا اعمار می شود هم به افغانستان شوروی و هم به ترکستان شوروی مفید ثابت می شود .

انتخاب دریایی بزرگ آمو به عنوان سرحد بین امپراتوری روس و افغانستان که در قرن نزیم مورث گرفت بعد ها مشکلات بیماری را برای هر دو کشور ایجاد کرد . پکار به علت تغییر مسیر دریا طرفین مجبور شدند متنله مرز را دوباره مورد - مذاکره قرار بدهند . افغانها هیچگاه اجازه نداشتند مقدار

زیاد آب آمورا مورد استفاده قرار بدهند. رویه تزیاری و هم رژیم های اتحاد شوروی میخواستند تا حد امکان از آن بهره مند گردند که این مسئله مشکلات زیادی را برای این خلق کرد. زیرا بر سرچشم دنیا که در افغانستان واقع بود دسترسی نداشتند. دریای آمو در مسیر خود با چندین دریا آی اتحاد شوروی و افغانستان می بیوندند. در حدود ۲۰ - ۳۰ فیلم آب مجموعی دریا از قسمت جهیلی که به افغانستان تعلق دارد به دریا می ریزد. جریان متوسط آب در قسمتی که دریا میسرش را به شمال تغییر می نمود و به طرف اتحاد شوروی میرود در حدود ۱۷۶۰ - ۲۰۰۰ متر مکعب فی ثانیه است که این رقم مطابه به جریان متوسط دریای نیل می باشد. تلاش برای کنترول این منبع قابل توجه عنصر اساسی بالیسی اتحاد شوروی در سال های قبل از جنگ بوده است. از سال ۱۹۵۰ به این طرف شوروی ها کم از کم اعمار سه بند برق بزرگ و کانال های آبیاری را بیشنهاد کرده اند. کانال قراقرم که ۱۵۰۰ کیلو متر طول دارد و بزرگترین و طویل ترین کانال جهان است آب آمورا از نقطه ای در نزدیکی مرز افغانستان برای آبیاری به صحرای قراقرم بر اتحاد شوروی و بالاخره به بحیره کسبین آنتقال میدهد. اکمال این بروزه ۱۵ - ۲ بليونی و اضعاه برای مسکو از اهمیت فوق العاده برخوردار است و میتوان آرزوی اتحاد شوروی برای کنترول دریای آمو را از اهمیت این پرروزه نه کسرد.

لهمهستان مطبوعاتی

میاره نهم سال سوم ۱۳۶۷ - جمادی الاول ۱۴۰۹ - سپتامبر ۱۹۸۸

فهرست مطالب

۴	پادداشت ماه
۶	● منابع افغانستان و استثمار هموروی
۱۱	● کمونیست چند حزبی افغانستان

بعاطر گرامیداشت شهیدانیکه جانهای عزیزین خود را عانقانه باخته اند کانون ترجمه آثار جهاد افغان بعنوان قدردانی از تمام آنها، عکس هفت قوماندانی را که در دوران نهمین سال تعاون هموروی شهیده و نامهای مبارکهای بنا رسیده بچاپ رساند



علاوه از بکار برد آب دریای آمو برای آبیاری، شوروی ها چندین بروزه تولید برق و آبیاری را برای قسمتی از جهان افغانستان که در شمال افغانستان است درنظر گرفته اند. برخی ازین بروزه ها زیر ساختمان است و شماری صرف طرح ریزی شده است. بند برق کیله گی بر دریای کندز که معاون دریای آمو است ۶۰ میگاوات برق تولید و بیشتر از ۹۰۰۰ هکتار زمین را در افغانستان آبیاری خواهد کرد. در ماه می ۱۹۸۰ که صرف بنج ماه از تجاوز شوروی گذشته بود محمد عظیموف رئیس اکالیع علوم جمهوری تاجکستان اتحاد شوروی اعلام کرد که اتحاد شوروی درنظر دارد چندین نستگاه تولید برق بر دریای کندز افغانستان اعمار کند. او علاوه کرد که انجینیر های شوروی محل اعمار بند ها را قبل از تعیین کرده اند. او افزود که یک بند برق بیگر به طرفیت ۴۰ میگاوات که در آن هنگام بر دریای هریورد در هرات زیر ساختمان بود ۳۰۰۰ هکتار زمین بیگر را آبیاری خواهد کرد. ضمناً یوگوسلاویا نیز در نظر دارد بند های برق بر دریا های مرغاب، قیمار و سریل اعمار کنند که ۲۵۰ هکتار زمین را زیر آبیاری خواهد آورد. دلجهب است بدانهم که به استثنای پلان آوردن برق برای معدن مس عینک و برخی پلان های کوچک بیگر در کابل و جلال آباد هیچ بروزه بزرگی بر دریا های جنوب هندوکش درنظر گرفته نشده است.

انرژی برقی بالقوه افغانستان ۲۵۰۰ میگاوات تعیین میشود که

این رقم شامل انرژی برقی بالقوه ای نیست که میتواند از دره های بدخشان که دریا ای آمو در آن در جریان است بسته آید . این دره ها انرژی برقی بالقوه ساده را بطور قابل ملاحظه افزایش میدهد . تا سال ۱۹۷۵ صرف در حدود ۹ فیصد این انرژی بالقوه یعنی ۲۴۰ میگاوات آن از قوه به فعل درآمده و مورد استفاده قرار گرفته بود . ده سنتگاه تولید برق اعمار گردیده بود که بهتر از نصف آن بر دریای کابل قرار داشت . (دریای کابل ۳۰ فیصد همه انرژی برقی بالقوه افغانستان را مرفوض از انرژی بالقوه ای که از دریای آمو بسته می آید فراهم میکند) . دو سنتگاه بعد بر دریای هلمند (۲۸ فیصد انرژی برقی بالقوه) و دو سنتگاه در عمال (۳۸ فیصد انرژی برقی بالقوه) وجود داشت . مشکلات مالی این انرژی برقی بالقوه قرار داشت

الگاف عمومی منابع و آباده افغانستان :

سال ۱۹۷۲ جیولوژیست های شوروی قادر شدند افغانستان را به بیست و یک ساده میتاوجینیتک تقسیم کنند . این ساحت بر اساس تقسیمات تکتونیک تعیین شده بود و تقسیمات ساحی مناسب داشت . این تقسیمات نشان میدهد متخصصین شوروی که این طرح را ریخته اند برای تفصیل بیشتر به تقسیم مخاطب ساحت نیز دست زده اند .

واضح است که شورویها حتی اگر حاضر نوند نیروهایشان را از

افغانستان خارج - ازند تلاش خواهند کرد استرسی خود را بر منابع افغانستان حفظ کنند زیرا این امر بر ایشان اهمیت بزرگ اقتصادی دارد . احتمال تجزیه افغانستان نیز وجود دارد . مذاکره دوباره برای تعیین سرحد بین افغانستان و شوروی که شایعات آن مکرراً شنیده شده است و الحاق مغفیانه واخان در ۱۹۸۰ که دریای آمو از آن شروع میشود میتواند به این هدف شوروی‌ها چه از نظر اقتصادی و چه از نظر استراتیزیکی کمک کند . سرحد فعلی در امتداد دریای آمو و صحرای قراقرم که در بین سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۹۵ به وسیله دول انگلیس و روس تعیین شده است هم از نظر تاریخی و هم از نظر تکنیکی مشکل برانگیز بوده و خواهد بود ، زیرا از همان دورانی که تعیین شد آنرا سرحدی کاملاً مصنوعی و موقتی که هیچ بهره ای از ثبات ندارد خوانندند . در جریان تعیین مرز روس‌ها بر برخی ساحتانی که به افغانستان تعلق داشت ادعای ملکیت کردند و ادعای شان این بود که آن ساحت‌های ترکمن‌هایی که اکثریت شان در ساحت‌زیر کنترول شوروی زندگی داشتند افعال کرده‌اند . در موارد بیشمار نمایندگان نظامی روس (و هم انگلیس) بیشنهاد کردند که مرز بین افغانستان و شوروی خیلی زیاد به حنوب باید و از میان هندوکش بگذرد . عبدالرحمن امیر افغانستان که نمی‌خواست بهشترازین ساحه ای از قلمرو خود را از دست بدهد اعتراض کرد .

اما در ۱۸۸۵ که مدتی کوتاه از آغاز مذاکرات طولانی

انگلستان و روس می‌گشتند نیروهای روس بر بنجده که بخشی از سر زمین افغانستان بر خمال آمو بود حمله برده آنرا تعرف کردند تا بر دور آن مذاکرات است برتر داشته باشند. بر تانیه بر این امر اعتراض کرد اما این عمل انعام یافته را مشروط بر اینکه روس نیکر پنهانی نکند پذیرفت. (اسناد داخلی روس بر آن زمان نه تنها از تصرف بنجده بلکه از شرمساری دولت بر تانیه کبیر اظهار خوشحالی کردند.)

سرا نجام دولت بر تانیه موفق گردید سرحد بین افغانستان و اتحاد شوروی را دریای آمو و خطی به امتداد آمو به طرف غرب که از صحرا قراقروم می‌گذرد تعین نماید. این سرحد که از نظر نظامی قابل دفاعه و از نظر نژادی مناسب نبود تا سال ۱۹۸۰ باقی ماند. به نظر روسیه (تزاری و اتحاد شوروی) نلایل اقتصادی سیاسی و کلتوری بیشمار همیشه وجود داشته است که این سرحد را ضعف می‌سازد. بر واقع گفته می‌شود که یکی از حنرال‌های تزاری که در مذاکرات اولیه تعین مرز سهم داشت به همای اندگلیسی اهل گفته بود: آمو دریا است و دریا هیچ‌گاه نمیتواند سرحدی خوب باشد. ما میخواهیم هندوکش به عنوان یک بیوار واقعی قلمرو ما را از قلمرو فما در آسیای میانه جدا کند. این نظریه چندین بار در جریان مذاکرات تکرار شد و رویدادهای بعد از ۱۹۸۰ چنین نهادند می‌گند که یک قرن بعد نیز اتحاد شوروی این خیال را در سر دارد. چندین سال پیش از این مذاکرات اتحاد شوروی این مذاکرات را با افغانستان

شورویها در جریان این چند سال مصروف ایجاد زیربنای نظامی بوده اند که با استفاده از آن بتوانند منابع را به سرعت استخراج و انتقال بدهند. آنها در عین حال تلاش ورزیده اند ساختمان سیاسی بوجود بیا ورند که هم برای کنترول نراز مدت افغانستان و هم برای یک راه حل سیاسی قابل قبول به مکو ضرور شمرده شود. بطور مثال شورویها و رزیم کابل در عین حال که تلاش ورزیده اند نشان بدهند که با ملیت‌های مختلف افغانستان برخوردي عالانه و خیرخواهانه دارند این مسئله را نیز از یاد نبرده اند که منافع خود را از طریق سیاست امپریالیستی تفرقه بینداز و حکومت کن ابفا کنند.

بروزه‌های انکفا فی زیاد ایجاد یا صرفه در روی کاغذ بیان شده اند تا این اهداف به اصطلاح خیرخواهانه را برآورده سازند اما همه این بروزه‌ها در عمال تمرکز یافته است و هدف اولیه هان برخلاف تبلیغات شوروی‌ها به‌های اقتصاد اتحاد شوروی است.

دریای آمو زمانی که به جلگه‌های شمالی می‌رسد قسم زیاد طول آن قابل کشیده‌انی می‌شود، کشیده‌انی در آن جریان دارد و بنابر جدید زیر ساختمان است تا از دریا استفاده بیشتر بعمل بیاورد. در سال ۱۹۸۲ پل خط آهن که لوله‌های نفت را به افغانستان می‌ورد بر دریای آمو اعمار شد و اولین خط آهن افغانستان که از مرز شوروی به معادن زغال دامنه‌های شمالی هندوکش می‌رود زیر ساختمان است. قرار است درینجا یک شهرک نیز اعمار گردد در شمال هرات در قسم کوه خط آهن از سرحد گشته و به خاک -

افغانستان داخل شده است. علاوه بر این ها بل های بیگربر قسمت بالای آمو نر بدخشان اعمار گردیده یا قرار است اعمار گردد. یکی از این بل ها بین شفنان بدخشان و خورک تاجکستان و بیگر احتمالاً بین قاضی ده یا خندود اعمار و به سیستم سرک های اتحاد شوروی وصل خواهد شد. یک شاهراه استراتیژیک جدید از مرغاب که در تاجکستان شوروی قرار دارد تا منتها الیه شمال شرقی دهلیز واخان اعمار گردیده است. دهلیز واخان از العاق مخفیانه آن به این طرف اتحاد شوروی را قادر ساخته است با پاکستان سرحد مستقیم داشته باشد. یک تونل جدید که در کوتل اندر مین درین شاهراه ایجاد گردیده است سترسی شوروی ها را بر پاکستان آسان تر می سازد. شاهراه قراقرم را که از پاکستان به چین ادامه دارد به خطر مواجه می سازد.

یک بازار جدید بارتی " بازاری که در آن معامله جنس بـ جنس صورت می گیرد) در واخان بدخشان ، درست درین سوی سرحد بین تاجکستان و افغانستان اعمار شده است که در برابر تولیدات زراعی افغانستان وسایل خانه را که در شمال افغانستان یافت نمیشود به مردم عرضه میدارد. تاجیک های افغانستان میتوانند برای تداوی بدون ویze به اتحاد شوروی بروند و داکتران تاجیک از طریق بدخشان به افغانستان سفر می کنند. « اتباع اتحاد شوروی بیگر برای سفر به افغانستان به ویze ضرورت ندارد ، سفر به افغانستان حیثیت سفر به داخل اتحاد شوروی را دارد) .

خاک قسمت‌های شمال افغانستان قوی و متابه به خاک یوکراین و قسمت‌غربی امریکا است و مقدار اعظمی نور آفتاب در تمام اتحاد شوروی درین ساحه جذب می‌شود. بدین ترتیب با سیستم آبرسانی درست و تغذیه‌کارهای پیشرفته زراعتی ارزش اقتصادی این ناحیه به اتحاد شوروی خیلی زیاد خواهد بود.

زیر بنای فزیکی قوی ایکه در شمال افغانستان ایجاد می‌شود یا فراراست ایجاد شود ممکن است زمینه‌ای برای تجزیه نهایی مملکت با سرحدی که در بالا مورد بحث قرار گرفت باشد. - سرحدی جدید که در امتداد هندوکش کشیده شود شوروی‌ها را قادر خواهد ساخت تا منابع غنی انرژی و دریاها می‌شمیشان را کاملاً تحت کنترول خود بگیرند و کشور را بر اساس نژاد جدا سازند.

افغانستان شمالی در مجاورت جمهوری‌تبار ترکستان، ازبکستان و تاجیکستان اتحاد شوروی قرار دارد و ساکنان آن از نظر نزدیک در هر دو جانب سرحد مشابه‌اند. این گونه تغییر سرحد پشتون‌ها را در جنوب قرار خواهد داد و زمینه‌را برای عناصر پشتون مساعد خواهد داشت تا برای اتحاد پشتون و تفاصیل دیرینه پشتونستان بر هاکستان فشار آورند. همچنان سرحد جدید کمک به مجاہدین افغانستان شمالی را محدود خواهد ساخت. در صورت خروج نیروهای شوروی‌از کابل و مناطق جنوبی تجزیه افغانستان گنfüه از نیگر مبادع به شوروی‌ها به کمونستهای افغانستان که سخت مورد تنفر افغانها اند بنامگاهی را در شمال ایجاد خواهد کرد.

سلسله کوه بلند هندوکش سرحدی را تشکیل خواهد داد که دفاع از آن سرحد فعلی خواهد بود . این تغییرات سرحدی مشابه به آن تغییرات سرحدی خواهد بود که در پایان جنگ عمومی دوم از طرف شوروی ها بر بولند و نیگر کشور ها تعمیل شد .

واضح است زمانی که شوروی ها تجاوز کردند بینظر نداشتند افغانستان را تجزیه کنند اما ده سال مقاومت موفقانه مجاہدین افغان که پایان آن قریب بینظر نمی رسد و فشار مداوم بین المللی بدون شک مکو را واداشته است تا نیگر راه ها را جستجو کند . تجزیه افغانستان به یک افغانستان شمالی غنی که تحت کنترول شوروی قرار دارد (با حتی به آن الحاق شده است) و یک افغانستان جنوبی ویرانه ، فقیر و متکی به منابع خارجی میتواند در برابر خروج قسمی نیرو های شوروی بر افغانها تعمیل گردد و در روابط بین المللی به عنوان یک راه حل به معضله افغانستان جلوه داد . شود .

خلاصه اینکه اگرچه گفته نمیتوانیم که منافع اقتصادی هدف پیگانه با حتی اساسی شوروی از اغفال افغانستان بود و اینچ است که منافع اقتصادی از جمله اهدافی جانبی بود که شوروی ها موقع داشتند از اشغال افغانستان حاصل کنند .

روشن است که شورویها از منابع مهم افغانستان آگاهی کامل داشتند و در طی چندین دهه خامنا ۱۹۵۰ از به بعد فعالانه کوئیدند کنترول منابع غناخته عده و بالقوه افغانستان را بدست

بگیرند و آنرا به معرف افغانستان به نفع شوروی مورد بهره
برداری قرار بدهند . شوروی‌ها مصمم بودند که در صورتی‌که
نتوانند ازین منابع استفاده کنند حداقل نگذارند افغانها منابع
شانرا برای بهبود کشور خود شان مورد استفاده قرار بدهند و
بگذارند این منابع نست ناخورده باقی بماند تا روزی اتحاد
شوری بتواند آنرا به نوعی مورد بهره برداری قرار بدد . علت
اینکه افغانستان یک کشور فقیر و انکشاف نیافته و متکی به کمک
خارجی ماند صرف بعلت بهره برداری اگاهانه و عدمی شوروی‌ها از
اقتماد افغانستان نبود بلکه بعلت ممانعت شوروی‌ها از انکشاف
این منابع بالقوه اقتصادی نیز بود که خامتها از سالهای ۱۹۷۰ به
این‌طرف زمانی‌که متخصصین شوروی کنترول وزارت معدن و صنایع را
در دست گرفتند افزایش یافت .

این مسئله نیز روشن است که علرغم وضع نا‌سامان‌جنگی
شوری‌ها آن منابع برای منفعت خودشان خیلی سریع مورد بهره
برداری قرار داده اند و این سرعت عمل بدون طرح ریزی ممکن نیست
آنها مصمم اند این بهره برداری را در آینده نیز ادامه بدهند .
در دسامبر ۱۹۸۱ یک مامور عالی‌رتبه که میخانیل گور با جف
را در دهلهی جدید همراهی میکرد در یک مصاحبه گفت که جنگ افغانستان
بخاطر گاز و نیگر تولیداتی که اتحاد شوروی از افغانستان می‌
گیرد حتی «یک‌سنت» نیز به اتحاد شوروی معرف ندارد . این
گفته با وجودی‌که ممکن است اغراق آمیز باشد یک مسئله را روشن

می‌سازد و آن اینکه بهره برداری شوروی‌ها از اقتدار افغانستان بخشی مهم از هزینه اشغال افغانستان و جنگ منتج از آنرا می‌بردازد . واضح است که حتی اگر شوروی‌ها تا بحال این بهره برداری را آغاز نکرده باشند حداقل انتظار دارند در آینده از غلارت افغانها منفعت بزرگ و دوامداری را نصیب خود سازند .

در اخیر خاطر نشان باید ساخت که تلاطف افغانستان محاط به خشکه در قرن بیستم (از جوالي سال‌های ۱۹۵۰ تا حوالی سال‌های ۱۹۷۰) منجر به پکسلله نشرات در کابل گردید که از "حقوق طبیعی" افغانستان برای استفاده از بحر هند صحبت می‌کرد . احتمال دارد این مسئله در پک افغانستان روسی شده در آینده نوباره بر سر زبانها بیافتد و این بار ماهرا نه ترا از قبل احتمالاً با استفاده از مسئله بلوجستان بر ضد پاکستان موزد استفاده قرار بگیرد .

بهره برداری و انکشاف توازن منابع افغانستان و پاکستان با کمک مالی اتحاد شوروی می‌تواند اتحاد شوروی را قادر سازد تا در بلوجستان پک سیستم راه زمینی جدید بوجود بیاورد و در ساحل مکران پاکستان بندرگاهی جدید بسازد . این پروژه‌ها اگر نرعمل بپیاده شود به اتحاد شوروی زمینه آنرا مساعد می‌سازد تا به بحیره عرب نترسی مستقیم داشته باشد . گنجه ازین نترسی شوروی‌ها قادر خواهد بود این پروژه‌ها را در پک سیستم بگنجانند و کمبود هر یک از اجزا را با استفاده از اجزای دیگر

جدی سیاه

سال دیگر بسیار آمد ، روز سیاه ۶ جدی بار دیگر فرا رسید روزیکه تانکها و زرهبیوش‌های اردوی سرخ از رونخانه آمو گنفست و از فراز کوه بایه هندوکش بر کشور بلا کشیده ما مانند زاغ و زغن سرازیر گردید . طیارات غول بیکر شوروی در آسمان کابل به برداز نرآمد و تجاوز گران عوروی را سته ، سته به باختیت بیاده کرد . در همین روز از دلیلزی‌های مخوف کربیلن فرمان مرگ و خون و آتش طنین افگند و زمین را به لرزه نرآورد . مردمان جهان یکبار دیگر شاهد جنایت‌سیاران شوروی بودند و یکبار دیگر مدعیان صلح ، آشتی و ندوستان طبیعی مردمان مستضعف جهان ! نقاب نروغین را از چهره مرگ آور خود بدور انداختند و لوله تفنگ و تانک خود را بسوی مردم مظلوم افغانستان نشاند گرفتند . در برابر نیرو‌های استکبار جهان افغانان مقد بستند ، آری ملتی که در دوره قرون اولی نگهداشته شده بودند و از ساز و برگ تمدن قرن بیستم بهره ای نداشتند .

افغانان شوروی را عامل‌اصلی پس‌مانی خود میدانند ، زیرا از قرن ۱۹ باین سو فرمان روایان خود کامه شوروی بر امور داخلی

کامل سازند . به این معنی که آهن حاجی گک میتواند در ستگاه فولاد سازی کراچی بکار برود و من چگای بلوچستان معدن عینک را غنی تر بازد تا ارزش اعمار ستگاه تصفیه را پیدا کند .

شواهد بیشمار وجود دارد که شوروی ها مصمم استند افغانستان شمالی را (در صورتی که به خاک خود الحاق نتوانند) جزی از آسیا مركزی اتحاد شوروی سازند و در عین حال بی نظمی را در پاکستان تشیید کنند . پیشنهاد های اقتصادی اتحاد شوروی به پاکستان مشابه به آن پیشنهاد های اقتصادی شان است که دعه ها بیش بیه افغانستان ارائه کرده بودند و در بسیاری موارد با پلانهای شان برای افغانستان تهابق می کند . اگر اجتماع بین المللی فشار بیشتر بر شوروی وارد نکند احتمال دارد که شوروی افغانستان را ببلعد و منابع غنی آنرا به منفعت خویی مورد بهره برداری قرار بدهد . در صورتی که این عمل واقعاً صورت نگیرد اثرات آن بر تمام ساحه اطراف و ساحت بیشمار نیگر غیر قابل شمار خواهد

بود .



جدی سیاه :

زوال توسعه جوئی امپراتوری شوروی در قلب آسیا و جهان فال نیک گرفت : آنروز دور نیست که با گردن های افراشته و قلب های مطمئن بوطن محبوب خود برگردیم و با اتکاً به نیروی لایزال الله، بنیاد حکومت نیم و داد و خرد را برپیزیم و میهن آغشته بخون خود را ریگ گلستان بگردانیم . نصر و من الله و فتح قریب .

ماره نم

افغانستان

في الصحافه العالميه

مجله شهريه لانعکاسات الجهاد الافغاني
في الصحافه العالميه

EDITOR : Prof. Dr. Sayed Mohammad Yusuf Elmi

ANNUAL SUBSCRIPTION :

Pakistan : Rs.100

Abroad : US\$ 30

Bank Account No.60649

Habib Bank Ltd.
Cantt. Branch
PESHAWAR.

ADDRESS : Post Box 417 G.P.O.,
Peshawar, Pakistan.

AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE
is an independent and nonaligned Centre. In order to fulfill
its obligations, will accept financial assistance provided it
does not compromise in any way its independence.



AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE

Afghanistan In The World Press

MONTHLY MAGAZINE, WHICH REFLECTS THE IDEAS AND
OPINIONS OF THE PRESS AND WORLD PERSONALITIES
ABOUT THE RIGHTFUL JEHAD OF THE AFGHAN PEOPLE.

No. 34

3rd Year

December 1988

CONTENTS

1. Editorial
2. AFGHAN MINERAL RESOURCES
AND SOVIET EXPLOITATION John F. Shroder
and A. Tawab Assifi
3. Afghanistan's Communist
Party: The Fragmented PDPA Anthony Arnold
& Rosanne Klass

Photo: Maria Soderberg

بادداشت ماه

ما مداخله میکردند به تهدید و ارعاب متولّ می شدند و در راه - پیشرفت کشور ما موانع گوناگون ایجاد می کردند. آری مجاهدین سلاح و لباس نداشتند ، ولی ایمان نیرومند داشتند ، چیزی که لشکر سرخ فاقد آن بودند ، ایمان بفرمان خدا و حقانیت راه او ، ایمان بولادین پایدارتر از کوههای سربفلک کشیده و بلندتر از هر واز عقابها ، ایمان حماسه افرین و جاودانیکه در گنشه بار بار بوز برخانه گران بیگانه را بخاک مذلت مالیده بود . ایمان شکست ناپذیری که مردمان این نیار را در خلان قرون و اعصار زنده نگهداشتند و با خون و جان آنها درم آمیخته بود . سرانجام تاریخ پیکار دیگر تکرار شد . آثار آیت قران با کمال نورانیت بر فضای آریانای کهن تجلی نمود . کم من فته قلیله غلبت فته گنیه با ذن الله چه با گروههای اندک پیروز شدند بر لشکرها بزرگ بفرمان و تائید خدای تعالی .

الحق طالسم شکست ناپذیری اردوی سرخ بست مسلمانان افغانستان شکست و لشکر خدا بر نژخیمان شمال بیروز گردید . آری ۶ جدی امسال با پار تفاوت فراوان دارد . سرانجام پس از نه سال خون ریزی و ویرانی لشکر شوروی به شکست خود اعتراف کردند افغان و خیزان از کشور ما عقب نشینی اختیار نمودند . مجاهدین را که (اهرار) می گفتند ، اکنون مخالفین و جنگجویان می نامند و ما را به عنوان طرف اصلی درگیر برسیت نداشتند و بصورت مستقیم به مذاکره نهستند . بنابران ۶ جدی را میتوان مبدأ رسوائی و

منابع افغانستان و استثمار شوروی

حاء نرویز و تواب آسی

قسمت آخر -

لـت :

افغانستان هنوز هم برای مصارف نفت خود که عمدتاً گامیل
بطرول و نیزل و تیل خاک مهیا بود بر منابع خارجی، ایران و اتحاد
شوری متنکی است. این اتکاً بر منابع خارجی همیشه توانائی
بولی این مملکت را کا هنر داده، ولی استفاده جویی اتحاد شوروی
به این مشکل شدت بخوبیده است.

نفخ نفت در افغانستان در سال ۱۹۲۵ آغاز گردید و تا ۱۹۳۲

امتیاز آن برای ۲۵ سال به « تکساکو و سی بور » *Texaco and Seibord* داده شد . این قرارداد با امریکایی ها بر آغاز جنگ عمومی دوم به طور ناگهانی فسخ شد . بعد از جنگ سویدنی ها درتبه های انگوت در سریل بکف نفت توفیق یافتند ، اما آنطور که در بالا اشاره شد شوروی ها با قرضه های بزرگ شان با بر میان -

گذاشتند و تفحص های در و کاربین ها را بر عهده گرفتند. آنها توجه را از نفت به گاز طبیعی منحرف داشتند و توانستند مامورین مسئول افغانستان را به این نتیجه برسانند که صادرات گاز برای افغانستان پر منفعت نیست. عورویها استدلال کردند که بر هر

شماره دهم

صورت نخایر نفت افغانستان خیلی محدود است و گفتند که نخایر قابل استخراج در انکوت (۲ میلیون تن) ارزش اعمار ستگاه تصفیه را ندارد و در آن زمان از جستجوی بیشتر در آن سایه خودداری کردند.

در سال ۱۹۶۳ هنگامیکه داود برای بار دوم به قدرت رسید تلاشهای یافتن نفت را از سر گرفت. چون روش‌ها به نفت توجه اندک نشان دادند انجنیران، جیولوژست‌ها و کارکنان فنی افغان ما موریت را بر عهده گرفتند. تلاش آنها بزودی به پیروزی‌هایی بیانجامید. در سال ۱۹۷۵ یعنی بیست و پنج سال پیاز آنکه سویدنی‌ها اخراج شده بودند نخایر جدید که از نظر اهمیت خود مساوی به نخایر انکوت بود در آق‌دریا کشف شد. پکال بعد نخایری که ارزش آن ۱۲ میلیون تن تخمین می‌شد در سه لایه قاشقاری بپدا شد. بزودی در بازار کمی و بلند غور نیز نخایری بیده شد. این نخایر نیز مانند دیگران در ناحیه سرپل غیرگان قرار داشت. هنگام برمه کاری برای گاز طبیعی در علی گل که تقریباً ۴۰۰ کیلو متر در غرب سرپل قرار دارد پک نخیره بزرگ نفت کشف شد و احتمال وجود نخایر دیگر و احتمالاً بزرگتر را در ساحت‌مجاور زنده ساخت.

تاریخچه جیولوژیکی این ساحه وجود نخایر بزرگ را در افغانستان محتمل می‌سازد. بطور مثال اکنون واضح است که بح وادی بزرگی که بونهای جنوب شرقی وادی کوبت داغ قرار دارد از

نظر نخایرها یابروکاربن ها خیلی بر اهمیت است . وادی کاراکم
بر شمال غرب قرار دارد مورد استفاده است اما وادی افغان
تاجیک که به طرف شمال شرق است نیز از نظر منابع هایابروکاربنی
با ارزش است و چندین نخیره نمک که تا هنوز برمه کاری نشده
دارد . هر دو وادی بیشتر از ۳۰ طاقدیس و دیگر ساختمان های
جیولوژیکی مهی دارد .

بر سال های ۱۹۷۰ در این منطقه و دیگر مناطق کشور تغیر
نفت جریان داشت و به وسیله کمپنی های غیر شوروی صورت می گرفت
وادی کوندر ارگون را که بر منطقه جنوب شرقی کتواز موقعیت
دارد جیولوژیست های جرمن مطالعه و وجود منابع هایابروکاربنیک
را ثبت کردند . بر سال های ۱۹۷۴ - ۱۹۷۵ یک شرکت فرانسوی
بنام توتل (Total) تفحص نفت را درین ناحیه بر عهده
گرفت . شرکت توتل قرارداد را با برداشت جبران خواره فسخ کرد
و دلیل آنرا مشکلات جیولوژیکی خواند که گفته می شد احتمال
استخراج مقدار زیاد نفت را کم می سازد . متخصصین افغان این
بلای را قناعت بخی ندانستند و دو گزارش علیحده از منابع
عالی رتبه افغان توطنه گری اتحاد شوروی و فساد اداری را مسئول
دانست .

بر هر صورت افغان ها صرفاً بر جستجوی منابع بزرگ برای
امداد مادراتی نبودند بلکه بر عین حال تلاش داشتند منابع شان را
انکشاف نمودند و ضروریات کشور شان را رفع سازند که برای این

منابع افغانستان و استثمار عزوی

هف منابع کوچک نیز کافی است، بنابر این افغان‌ها خود شان کار را در کتواز بر عهده گرفتند. وادی هلمند به علت طبقات ضخیم رسوبات غیر‌هایدروکاربنی جوان تفخر نشد، اما در ۱۹۲۶ شرکت انگلیسی ترای-منترل تفخر نفت را در ولایت غربی فراه که در مجاورت هلمند است قرارداد کرد. بعدها پک شرکت امریکائی نیز برای تفخر نفت در نشت‌مارکو و ریگستان در جنوب غرب ابراز علاقه کرد، مذاکرات به مرحله عقد قرارداد رسیده بود که کودتای ۱۹۲۸ به این تلاشها خاتمه داد. از ۱۹۲۸ به این طرف در وادی تیربل در غرب هرات نفت پیدا کرده‌اند.

در جریان سال‌های ۱۹۲۰ تولید نفت در شمال از چند هزار تن در سال به آهستگی از قرار ۲۰ فیصد در سال افزایش یافت. در ۱۹۲۲ نخایر ثبیت شده نفت در حدود ۱۰-۱۵ میلیون تن گزارش داده شد - یعنی ۵ فیصد منابع بروونی یا دوبی و یک بر هزار منابع کویت. اما در هر حال این مقدار حد اقل برای رفع نیاز‌های محلی کافی بود.

هنگامیکه داود پلان هفت ساله این را برای سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۲۳ آماده می‌کرد، از روس‌ها چندین بار خواست تا برای اعمار پک استگاه تصفیه نفت قرضه بدیند. آنها در ارائه باسخ روشن تعلل ورزیدند و اینکه کردند که منابع انگوشت نمیتوانند ارزش اعمای استگاه تصفیه را داشته باشند. هنگامیکه نخایر جدید کشف شد این اینکه نیز رد شد، افغان‌ها امیدوار بودند که ممکن است